

# تاریخ پژوهی

فصلنامه علمی - تخصصی دانشجویان تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

سال هفدهم - شماره ۶۲

بهار ۱۳۹۴

صاحب امتیاز:

انجمن علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسؤول:

جلیل قصابی گزگو

سرمدیر:

غلامحسین نوعی

ویراستار ادبی:

لیلا ساجع

حروفنگاری و صفحه آرایی:

ویدا خندان

طرح روی جلد: محمدجواد عنایتی راد

طرح پشت جلد: عطاء نیایی

مدیر داخلی:

علی صمدی جوان

مسؤول بخشی اشتراک: حدیث کامرانی فر

مدیر اجرایی:

عبدالرحیم جوان لاهی

اعضاء هیات علمی مجله:

دکتر هادی وکیلی (عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر غلامرضا وطن دوست (عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه شیراز)

دکتر محمد حسین منافی‌الاجداد (عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس)

دکتر محمد نقی ایمان پور (عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر مریم معزی (عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر جواد عباسی (عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر عبدالرسول شیراندیش (عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه شیراز)

تالی: مشهد - میدان آزادی - دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی - انجمن علمی  
دانشجویان تاریخ  
تلفن: ۸۳۶۳۸۱۹ داخلی ۳۸۵ شماره ۰۵۱-۸۷۹۶۱۶۶  
مستوفی پستی: ۹۱۸۹۵ - ۱۳۸۶

ISSN 2008-2418

مجله تاریخ پژوهی (مجله انجمن علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد)، شماره ۶۲، بهار ۱۳۹۴

دکتر جواد عباسی (استادیار تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد)

نحیه ریاضی (کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد)

### برده‌داری در ایران عصر مغول

#### چکیده

تاریخ برده‌داری یا طبقه غلامان و کنیزان در ایران با تاریخ ایران پیوندی دیرینه دارد. با این حال متأثر از تحولات مختلف تاریخی، سرگذشت این موضوع نیز با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. بردگان یا غلامان نیروی اقتصادی و گناه اجتماعی و حتی سیاسی مهمی بودند و به همین جهت مورد توجه حکومت‌ها و جامعه بودند. حتی تحول فرهنگی مهمی همچون ورود و گسترش اسلام در ایران تغییری در تداوم برده‌داری ایجاد نکرد. در این میان دوره مغول به جهت گستردگی پدیده‌هایی چون اسارت گسترده مغلوبان، نامنی‌های اجتماعی و اقتصادی و تفاوت‌های قومی و فرهنگی به‌طور بالقوه واجد قابلیت تأثیرگذاری زیادی در زمینه بردگی و برده‌داری بود. با این حال در تعامل و تقابل فرهنگ ترکی-مغولی با میراث ایرانی اسلامی این موضوع با پیچیدگی‌ها و گوناگونی‌های قابل توجهی همراه شد. مقاله حاضر می‌کوشد با بررسی این پیچیدگی‌ها و گوناگونی‌ها تصویری تا حد امکان روشن از وضعیت برده‌داری در ایران عهد مغول به‌دست دهد.

کلیدواژه‌ها: مغولان، برده‌داری، ایران، غلامان، کنیزان، اسیران، بازار برده فروشی

نقد

با ورود مغولان به عرصه تاریخ جهانی در عهد چنگیزخان او که در پی تشکیل یک حکومت مرکزی با متمرکز کردن قدرت قبایل بود، با بعضی قبایل از در اتحاد درآمد و با کسی دیگر از در ستیز؛ یکی از سیاست‌های وی در برخورد با مغلوبان و یاغیان به اسارت در بردن زنان، مردان و کودکان این قبایل برای استفاده‌های شخصی خود و اطرافیان و گناه

بهره‌گیری از ایشان در سپاه بود. این روند با فتوحات مغولان در آسیای مرکزی و ایران ادامه یافت و بسیاری از آنان که از کشتارهای وحشتناک جان به در بردند، به عنوان کنیز و غلام به خدمت گرفته شدند یا به فروش رسیدند. تالمنی‌های اجتماعی و اقتصادی نیز زمینه را برای بردگی عده‌ای فراهم می‌کرد. اشارات رشیدالدین در شرح برنامه‌های اصلاحی غازان‌خان در آستانه قرن هشتم هجری یعنی بیش از نیم سده پس از پایان حملات مغول درباره کنیزان و غلامان تصویری نسبتاً روشن از گستردگی موضوع برده‌داری و وضعیت این گروه به دست می‌دهد.<sup>۱</sup> علاوه بر این خود رشیدالدین صاحب تعداد زیادی غلام و کنیز بود و در واقع آنان بخشی از ثروت بیکران او بودند.<sup>۲</sup> بحران کمبود جمعیتی که در ایران عصر ایلخانی و پس از حملات خونبار مغول رخ داد نیز اهمیت غلامان برای آبادانی روستاها و شهرها ضروری کرده بود. در نتیجه موضوع بردگی به اسرا محدود نشد و تجارت تاریخی برده نیز اهمیت خود را حفظ کرد. با این مقدمه در ادامه به بررسی سیر تاریخی برده‌داری، اشکال و کارکردهای آن و نقش و اهمیت بردگان در جامعه عصر ایلخانی پرداخته خواهد شد.

#### برده‌داری در جامعه اولیه مغول

برده‌داری در جامعه اولیه مغول در قرون ۱۱ و ۱۳ وجود داشته است؛ چنانچه تسف طبقه‌ی سوم جامعه مغول در قرن ۱۲ را غلامان و کنیزانی می‌داند که اغلب از زندانیان جنگی و اقوام مختلف و مغولان صحراگرد تشکیل می‌شدند.<sup>۳</sup> به برخی از این غلامان اوتمن بغول می‌گفتند و برخی را اتلایغول (غلامان ساده) یا جلاتو که به معنی مهتر یا مردی که ملازم زنی است

۱- ممدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۲۷۳، *جامع التواریخ*، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، جلد اول و

دوم، تهران: نشر البرز، صص ۱۵۴۰، ۵-۱۴۸۴.

۲- ممدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۰، *مقننه ربیع رشیدی*، جنبی مینزی ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی،

ص ۱۹۰.

۳- تسف، ولادیمیر، ب. ۱۳۶۵، *نظام اجتماعی مغول*، ترجمه: نیرین بیانی، انتشارات علمی و فرهنگی، ص

می‌خواندند.<sup>۱</sup> قایدو از اجداد چنگیزخان دارای زنان خدمتگزار بسیاری بود.<sup>۲</sup> تمام زنان و کودکان طایفه جلایر (یکی از ایلات مغول) به اسارت قایدو و درآمده و به بردگی گرفته شده بودند.<sup>۳</sup> اجداد چنگیز به نام‌های «بودونجر» و «برقوتغر» به پنج نفر از افراد قبیله‌ای درکنار رود نکلکا حمله بردند و آن‌ها را به اسارت بردند که همراه آنان زنی آستن بود که بودونجر او را برای خود برداشت.<sup>۴</sup> اگرچه مغولان در بسیاری موارد شکست‌خورده‌گان از خودشان را قلع و قمع و تارومار می‌کردند، با این حال همواره تعدادی از زنان و کودکان را نمی‌کشتند و به عنوان اولجه (غنیمت) برای ایجاد انگیزه در سرداران به اسارت می‌بردند.<sup>۵</sup> چنگیز در گله و شکایه‌ی که از «آلتان» و «فوجر» - دون از متحدان عهد شکن خرد- می‌کند از چشمداشت‌های جنجوبش در زمینه اسارت زنان و کودکان پرده برمی‌دارد: «و چون شما مرا مبالغت کرده گفتید خان شو، من به سخن شما خان شدم، ... اندیشیدم که چون من پادشاه و به ولایت بسیار یشو لشکر شدم، تعهد متعلقان واجب باشد. گله و رمه و خانه‌های بسیار و زن و بچه‌ی مردم می‌سندم و به شما می‌دادم...»<sup>۶</sup> زنان و کودکان که دیگر امیدی به بازگشت به میان مردم خود را نداشتند، به تدریج وابستگی‌های پیشین خود را از دست می‌دادند و بعد از تقسیم در دروها، عهده‌دار مشاغلی چون گله‌بانی، نگه‌داری اسبان، نصب و جمع خیمه‌ها، تدارک امور طخ ر... می‌شدند.<sup>۷</sup> در جریان حملات مغولان حتی افراد صاحب نام از به بردگی گرفته شدن

۱- تسف، ولادیمیر. ب. همان، صص ۱۱۴-۱۱۵.

۲- همان، ص ۱۳۷.

۳- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۷۲. جامع التواریخ. همان، ص ۲۳۱.

۴- پیلو، پل. ۱۳۸۳. تاریخ سری مغولان. ترجمه شیرین بیانی. تهران: دانشگاه تهران، صص ۲۵-۱۶.

۵- داریوش، بشری. ۱۳۸۰. «افول اقتدار غلام سپاهیان در عصر ایلخانان». پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم

انسانی تهران: دانشگاه شهید بهشتی شماره ۳۰، ۳۸-۱۵، ۱۷.

۶- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. همان، ص ۹۱.

۷- داریوش، بشری. ۱۳۸۰. همان، ص ۱۷.

در امان نبودند. چنان‌که در زمان غارت شهر آقسرای، برهان‌الدین مدرس که صاحب فتوا بود و نصیرالدین عبدالجبار ادیب که صاحب تقوی و فضیلت بود را باده پانزده نفری فروختند<sup>۱</sup>. از دیگر کارهای رایج در میان مغولان و اویغوریان به بردگی گرفتن مردم به خاطر دین بود. آن‌ها به مردم زر می دادند و در عوض سود و اصل آن را می‌خواستند و اگر آن‌ها نمی‌توانستند آن را برگردانند، زن و بچه آنان را اسیر و برده می‌کردند<sup>۲</sup>. با این حال بردگی سرنوشتی محسوب نبود. آن‌ها اصطلاح درخت‌ها را برای غلامان آزادی به کار می‌بردند که در صورت خدمات شایسته به مقام بالاتر می‌رسیدند و از عوارض و مالیات معاف بودند<sup>۳</sup>. همچنین گاه اربابان و غلامان نزدیکی و دوستی داشتند؛ یک نوع خوراک می‌خوردند و هنگامی که غلامی آزاد می‌شد به بغول به معنی غلام آزاد شده معروف می‌گشت<sup>۴</sup>. چنین پیداست که در مجموع غلامان در جامعه مغولی کارکردهای مهمی داشتند؛ چنان‌که جنگیگر بر آن بود که اگر بزرگان دل غلامان خود را به دست نیاورند این قوم بی‌ترتیب و نابسامان خواهد بود<sup>۵</sup>. بنا بر آنچه که گذشت برده‌داری در جامعه ایلی مغول امری مرسوم بود. از اخبار مربوط به برده‌داری در دوره ایلیخانی برمی‌آید که بعدها اشکال و کارکردهای ساده آن در نزد مغولان با میراث جوامع اسلامی از جمله ایران در هم آمیخت.

#### زمینه‌ها و عوامل گسترش برده‌داری در ایران عهد مغول

در الواح و متون ایران باستان شواهد متعددی از رواج برده‌داری وجود دارد. در این دوران از اسرا به عنوان برده استفاده می‌شد. همچنین در دوره‌ی هخامنشی، بعضی حکام، بندگان و

۱- آقسرائی، محمدبن محمد. ۱۳۶۲. تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و سایر الاخبار تصحیح عثمان توران. تهران: اساطیر، صص ۱۲۸-۱۲۹.

۲- رشیدالدین. جامع‌التواریخ. همان، ص ۶۹۵.

۳- تسف، ولادیمیر. ب. همان صص ۱۹۲-۱۹۵.

۴- همان. صص ۱۱۶-۱۱۷.

۵- همان. صص ۱۰۴-۱۰۵.

کنیزان را به‌عنوان مالیات می‌دادند.<sup>۱</sup> در دوره‌ی ساسانی نیز برده‌داری رایج بود. رجال عهد ساسانی به میزان استطاعت خود، کنیزان متعدد را نگه می‌داشتند.<sup>۲</sup> در این دوران طبقه دست‌ورزان به دو گروه تقسیم می‌شدند. یکی خدمتکاران و دیگری بندگان بیگانه یا خارجی. بعضی از بندگان، پیشه‌ورنی چیره‌دمست یا دانشمندانی متبحر یا صاحب منصبانی مسئول مقامات خطیر بودند.<sup>۳</sup> به نظر فرای در دوره‌ی پیش از اسلام، جامعه‌ی ایران را ذخایر بردگان اشغال کرده بود.<sup>۴</sup> در دوره‌ی اسلامی برده‌داری همچنان ادامه یافت و چه بسا بر شمار آنها در این دوره اضافه شد. در روزگار نخستین خلفا به بردگی درآوردن مردم کاری نادر نبوده است.<sup>۵</sup> در دوره‌ی اسلامی برده‌داری عاملی بود که ایرانیان را قادر ساخت تا در مرزهای قلمرو اسلام دست به اقدامات نظامی، نجاری بزنند. به استثنای بردگان ترک که در سپاه خدمت می‌کردند، حاکمان آنها هر چه بود (اسلاو، زنگی و غیره) اساساً بومی بودند و منحصراً محدود به شهرها بودند. از بردگان برای کار بر روی زمین استفاده نمی‌شد.<sup>۶</sup> به بردگی گرفتن اسرا از اوایل فتوحات (خالد و...) رایج شد.<sup>۷</sup> در دوره اسلامی در منابع چنان شماری از بردگان متعلق به افراد گوناگون می‌بینیم که می‌توانستند مایه رشک و حسد هر برده‌دار بزرگ باشند. با این وجود تحت سکوت نویسندگان نازی درباره گرفتن اسیر و برده در لشکرکشی‌ها معمولی بودن آن بود.

<sup>۱</sup> سیزد، بداهه ۱۲۴۹. تاریخ بردگی. جلد دوم. تهران: چاپخانه مبین، ص ۶۵.

<sup>۲</sup> همان، صص ۷۲-۷۳.

<sup>۳</sup> فرای، ر. ن. ۱۳۴۱. میراث باستانی ایران. ترجمه: مسعود رجیب‌نیا. انتشارات علمی فرهنگی، صص ۸۷-۸۸.

<sup>۴</sup> فرای، ر. ن. ۱۳۶۱. تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه دانشگاه کمبریج. ترجمه: حسن انوشه. جلد چهارم.

سورگیس، ص ۲۸۲.

<sup>۵</sup> سیزدشکی، ای. پ. بلیایف، ی. آ. ۲۵۳۶. سه مقاله درباره بردگی. ترجمه: سیروس ایزدی. تهران:

سورگیس، ص ۱۹.

<sup>۶</sup> فرای، ر. ن. همان، ص ۲۸۲.

<sup>۷</sup> سیزدشکی، ای. پ. بلیایف، ی. آ. همان، ص ۱۵.

<sup>۸</sup> همان، صص ۱۷-۲۵.

برده‌داری در دوره مغول همچنان به حیات خود ادامه داد. از عوامل رونق و احیاناً گسترش برده‌داری در این دوره می‌توان به عملیات نظامی گسترده و قهرآمیز مغولان اشاره کرد. با حملات سپاه مغول به شهرها مردان کارآمد و توانا به اسارت برده شدند و ضمن سپر بلا قرار دادن آن‌ها در تهاجمات (خشر)، در کارهای توانفرسا مانند پر کردن خندق‌ها از آنان استفاده می‌شد.<sup>۱</sup> هر فردی را هم که مناسب برای غلامی و کنیزی می‌دیدند، با خود می‌بردند. در این دوره از حملات ویرانگر مغولان، تنها دو صنف از جامعه در امان ماندند؛ اول مدرسان، هنرمندان و صنعت‌گران یعنی کسانی که مغولان می‌توانستند از دانسته‌های آنان برای پیشرفت خود استفاده کنند و دوم زنان و بچه‌ها که به بردگی گرفته می‌شدند.<sup>۲</sup> بنابراین با ورود مغولان به ایران طیف وسیعی از بردگان به‌وجود آمد که مغولان از آن‌ها برای موارد گوناگونی بهره می‌جستند.

#### انواع بردگی در ایران عهد مغول

بر اساس آگاهی‌های موجود در دوره مغول بردگی و غلامی از دو راه تأمین می‌شد. یکی بردگی تجاری و دیگری بردگی از راه اسارت در جنگ‌ها.

##### ۱- برده تجاری

گروهی از بردگان، زنان، کودکان و مردانی بودند که از شهرها و ملل مختلف خریداری می‌شدند و برای فروش به بازارهای فروش برده، برده می‌شدند. این بردگان یا از طریق جنگ به اسارت و بردگی برده می‌شدند.<sup>۳</sup> یا از طریق غارت شهرها توسط یانگیان و دزدان به بردگی

۱- ناصری‌راد، مصطفی. ۱۳۷۴. سیاست سیاهگیری مغولان و ایلخانان در ایران. تبریز: موسسه فرهنگی و انتشاراتی عرص، ص ۱۷۰.

۲- اشپولر، برتولد. ۱۳۸۰. تاریخ مغول در ایران سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۲.

۳- بویل، جی آ. ۱۳۶۶. تاریخ ایران کمبریج. ترجمه حسن توشه. جلد پنجم. تهران: امیرکبیر، ص ۴۱۰.

در می‌آمدند<sup>۱</sup> و یا این‌که در سرزمین‌های غیر مسلمان، امکان داشت مردی، زنش را همراه با دخترها و پسرهایش در بازار فروش برده بفروشد. خرید این زنان شوهردار و این کودکان از نظر محقق حلی جایز بود. همچنین بردهای که برای بازار آماده می‌شد ممکن بود از طریق ارث به صاحبش رسیده باشد و با این‌که کسی به‌عنوان هدیه به او بخشیده باشد و با به‌خاطر صلح به او رسیده باشد<sup>۲</sup> جرایم سیاسی و اجتماعی و یا عدم توانایی در استرداد قروض و یا شورش از عوامل دیگری بود که مغولان زنان و کودکان را به بردگی می‌گرفتند<sup>۳</sup>. از مراکز برده‌فروشی مرتبط با ایران در عصر ایلخانان می‌توان از قبرس نام برد<sup>۴</sup>. از دیگر مراکز برده‌فروشی سودان بود<sup>۵</sup>. در بازارهای خوارزم علاوه بر اسب و باز و رنگ، برده نیز خرید و فروش می‌شده‌است<sup>۶</sup>. بغداد بازار بزرگی داشته که از انلام اساسی آن برده بوده است<sup>۷</sup>. غلامان رومی، آلتی و قبیجاقی در این بازار آنچنان زیاد بودند که از نظر وصاف در وهم نمی‌گنجید<sup>۸</sup>. در زمان حمله‌ی هلاکو به بغداد، کثیران زیادی در بغداد بودند که به دست هلاکو افتادند. از مراکز فروش برده در زمان سلطنت گیخانو، ازان بود که به سبب تجارت برده امنیت راه‌های آن گسترش یافته بود. در

۱- شیرازی، فضل‌الله بن عبدالله، ۱۳۳۸. *تاریخ وصاف الحضرة*. تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا کتابخانه جعفری تبریزی، ص ۳۰۶

۲- محقق حلی، ۱۳۵۷. *تواریخ الاسلام*. ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی. کوشش محمد تقی دانش پژوه. جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۵۱.

۳- دلریش، بشری. همان، ص ۳۱

۴- بویل، جی. ا. همان، ص ۳۹۱

۵- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸. *سوانح الانکار* محمد تقی دانش پژوه. تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ص ۲۲

۶- اشپولر، برنولد، ۱۳۸۰. *تاریخ مغول در ایران سیاست، حکومت و فرهنگ دوره‌ی ایلخانان*. ترجمه محمود سیرآقطب. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۲۳

۷- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۶. *تاریخ اجتماعی مغول تلخیص از جامع التواریخ رشیدالدین* تصحیح امیرحسین جهان بگلر. اصفهان: کتلفروش نامد، ص ۱۲۷۳

۸- شیرازی، فضل‌الله بن عبدالله. همان، ص ۳۹



گجرات هند نیز برده فراوان بود؛ به طوری که یاغیان هر ساله به این شهر حمله می‌کردند و بردگان را غارت می‌کردند.<sup>۱</sup>

در شهرهای بزرگ ایران، بازارهای عمده برده فروشی وجود داشته است.<sup>۲</sup> بردگان طبری که به اسارت مغولان در آمده بودند در بازارهای برده فروشی خراسان به وفور یافت می‌شدند.<sup>۳</sup> در عصر ایلخانی بازارهای بزرگ فروش برده در داخل و خارج از ایران وجود داشت. در این بازارها بردگان سیاه پوست، حبشی، هندی، گرجی، رومی، ترکی، روسی و زنجبی به فروش می‌رسیدند.<sup>۴</sup> قیمت کنیزان متفاوت بوده و با توجه به زیبایی چهره و اندام و هنرهایی که آموخته بودند به قیمت‌های مختلف خرید و فروش می‌شدند. اما بنا بر سخن محقق حلی ( فقیه برجسته شیعه در عصر ایلخانان) عرف قیمت یک کنیز در زمان او دویست دینار بوده است.<sup>۵</sup> به نظر می‌آید خرید و فروش برده از رسوم رایج در این دوره بوده است و تجارت بردگان به عنوان یک تجارت سودمند و پررونق در جریان بوده است.

## ۲- برده جنگی

به بردگی گرفتن زنان و کودکان از رسوم رایج مغولان در جریان حمله به شهرها بوده است. طبق یک روایت آن‌ها پس از تسلط بر هر شهر یا ملتی پس از سرشماری مردم از هر ده پسر و از هر ده دختر یکی را به بردگی می‌گرفتند؛ بردگان را میان خود تقسیم می‌کردند و سپس به کشور خود می‌فرستادند. این بردگان رهایافتگان از مرگ لقب می‌گرفتند و آن‌که نفر دیگر را به

۱- شیرازی، فضل‌الله بن عبدالله. همان، صص ۳۸، ۵۱، ۳۰۱.

۲- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. همان، ص ۱۵۱۰.

۳- بویل، جی. آ. همان، ص ۴۴۰.

۴- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۵۰. *مقتضاه ربع رشیدی*. همان، ص ۱۹۰؛ همدانی، رشیدالدین فضل‌الله.

۱۳۵۸ *سوانح الامکار*. همان، ص ۶۴.

۵- محقق حلی. همان، ص ۴۶۶.

هر طوری که می‌خواستند رفتار می‌کردند.<sup>۱</sup> مغولان پس از فتح هر ناحیه پیشه‌وران را بین پسران و خویشان خود تقسیم می‌کردند و استادکاران و ماهران را به خدمت خان به شرق می‌فرستادند<sup>۲</sup> که خود نوعی بردگی بود. در حمله چنگیز به هرات چند هزار دختر زیاروی هراتی را برای چنگیز فرستادند<sup>۳</sup> و در حمله‌ی بعدی تولوی، صد هزار دختر به اسیری تولوی در آمد.<sup>۴</sup> این رقم اگرچه مبالغه‌آمیز است اما نشان از گستردگی موضوع دارد. منهاج سراج در سفر خود به قاین با امامی از بزرگان خراسان به نام قاضی وحیدالدین فوشنجی ملاقات کرده بود که پس از اسارت به دست تولوی در هرات به‌عنوان برده به یکی از بزرگان مغول داده شده بود. گرچه او بعداً توانست بگریزد و در قاین با جوزجلی دیدار کند.<sup>۵</sup>

در حمله‌ی سپاهیان چنگیز به خوارزم نیز کودکان، زنان و جوانان به صورت برده به اسارت فرستادند<sup>۶</sup> در بنامار نیز کودکان، زنان و بزرگان را به بردگی بردند.<sup>۷</sup> ترکان خاتون مادر محمد خوارزمشاه نیز از جمله اسرای جنگی چنگیزخان بود. در هنگام حمله چنگیز به ایران، ترکان خاتون با شنیدن خبر نراز سلطان محمد خوارزمشاه در سال ۶۱۷ هجری خرابین را برداشت و به همراه محمد بن صالح از خوارزم گریخت و به قلعه‌ی ایلال در مارندران پناه برد. مغولان قلعه را محاصره کردند و سرانجام بعد از چهار ماه ترکان خاتون به سبب تشنگی تسلیم شد. ترکان خاتون

<sup>۱</sup> - کریک، یلان. ۱۳۶۳. سفرنامه پلان کارین. ترجمه ولی الله شادان. انتشارات فرهنگسرای ايساولی، صص ۳۳-۳۴.

<sup>۲</sup> - استیورتر، برتولد. همان، ص ۴۱۶.

<sup>۳</sup> - هروی، سیف بن محمد بن یعقوب. ۱۳۸۳. تاریخ نامه هرات. غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: اساطیر، ص ۳۳۸.

<sup>۴</sup> - همان، ص ۱۰۹.

<sup>۵</sup> - منهاج سراج. ۱۳۶۳. طبقات ناصری. عبدالحی حبیبی. جلد دوم. تهران: دنیای کتاب، ص ۱۲۴.

<sup>۶</sup> - حریش، عظاملک بن محمد. ۱۳۸۵. تاریخ جهانگشای جویندی. تصحیح محمد نزوینی. جلد اول. تهران: نشر کتاب، ص ۱۰۱.

<sup>۷</sup> - همان، ص ۵۲. ممدلی، رشیدالدین فضل‌الله. همان، ۱۳۳۶. تاریخ اجتماعی مغول تلخیصی از جامع

التاریخ رشیدالدین. تصحیح امیرحسین جهان‌نگلو. اصلهان: کتابفروشی ناپید، ص ۵۰۰.

را به نزد چنگیزخان بردند. چنگیز پسران کوچک سلطان خوارزمشاه را کشت و ترکان خاتون را به فراروم فرستاد وی در سال ۶۳۰ هجری در آن شهر قوت کرد.<sup>۱</sup> در جریان حمله‌ی هلاکو به بغداد پسر کوچک خلیفه مستعصم به همراه خواهرانش ناطمه، خدیجه و مریم به همراه امیرای بغداد با فرزندان و کنیزانشان به بردگی هلاکو درآمدند.<sup>۲</sup> در این زمان خرید اسرای جنگی نیز امکان پذیر بود.<sup>۳</sup>

در موردی دیگر هنگامی که لشکر نکوداریان، مغولان سرگردان در شرق ایران، به شیراز حمله کردند، زنان و مردان بسیاری را به بردگی بردند. در این هنگام مردم مسلمان جمع شدند و به قدر توان خود برده‌های مسلمان را خریدند و به شهرشان فرستادند.<sup>۴</sup> در مورد شهر یزد نیز سیزده هزار مرد و زن زیبا را لشکریان نکوداری به بردگی بردند و ثروت‌مندان شیرازی و اصفهانی و دیگر شهرها تا مدت‌ها آنها را از مغولان می‌خریدند و به وطنشان می‌فرستادند. پنج هزار زن و مرد مسلمان از این راه به وطن خود بازگشتند.<sup>۵</sup> همچنین لشکر نکودار به نواحی دشتستان و گرمسیرات حمله بردند و زن و فرزند مسلمانان را به بردگی بردند و با این بردگان بسیار به سیستان پوروش بردند.<sup>۶</sup> به نول و صاف و لشکر مغول در راه به تنک و فتک گشاده کردند و زنان و دختران پرپوش لورا اسیر می‌گرفتند.<sup>۷</sup> در جنگ‌هایی که در عصر ایلخانان روی می‌داد نیز رسم برده جنگی رایج بود؛ دخترانی که در پی لشکرکشی به هر مطلقه به بردگی برده می‌شدند، به بندگان مغول در می‌آمدند و بهترین آنها از آن حاکم می‌شدند. گرچه به نوشته رشیدالدین غازان‌خان به آنها می‌

۱- نسری، شهاب‌الدین محمد خرزندی زیدری، ۱۳۶۵. سیرت جلال‌الدین منکیرنی. مجتبی مینوی. تهران:

علمی فرهنگی. صص ۵۷-۶۰.

۲- ابن‌الفوطی، کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد شیبانی، ۱۳۸۱. الحوادث الجاسمه رویدادهای قرن هشتم هجری.

ترجمه عبدالرحمن ابی. نجم‌آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۱۱۴.

۳- اشپولر، برتولد. همان، ص ۲۸۰.

۴- شیرازی، فضل‌الدین عبدالله. همان، ص ۲۰۲.

۵- همان، ص ۲۵۴.

۶- همان، ص ۲۰۳.

۷- همان، ص ۲۵۵.

نداشت و توجه نمی‌کرد. همچنین هنگامی که غازان‌خان، قتلغشاه را به دنبال بانوی شورشی فرستاد؛ بانو که دارای خدم و حشم فراوانی بود، به شهرهای ارمنستان پورش برد و «چند هزار نفر از دلبران ماهر خسار بر روی وی که با آنتاب برابری می‌کردند بر سیل پرستاری در قید اسار آوردند». در این دوره جغتاییان نیز به خاطر دشمنی با ایلخانان، به خراسان خصوصاً هرات و مازندران حمله می‌بردند و زنان و کودکان را به بردگی می‌گرفتند<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد بردگان جنگی بزرگ‌ترین گروه از بردگان را در این عصر شامل می‌شده‌است.

#### خاستگاه‌ها، بازارها و سیرهای تجارت برده

در قرن چهارم هجری مصر، جنوب عربستان و شمال تونس مهمترین بازارهای برده بودند. خوارزم و سغد نیز از نظر بازار برده اهمیت داشتند دولت در هر شهر عامل و ناظر مخصوص بر بازار برده فروشان گماشته بود. در این دوره بردگان در بازارها به انواع مختلف تقسیم می‌شدند. قیمت بردگان سفیدپوست بیش از رنگین‌پوستان بود. بردگان ترک و سقلابی از بردگان سفیدپوست ممالک اسلامی بودند. بردگان سقلابی بیشتر از بلغار آورده می‌شدند که پایتخت بلغارهای ساکن اطراف ولگا بود. بزرگ‌ترین بازار بردگان ترک، سمرقند بود. قیمت کیزان با استعداد و تعلم دیده در ساز و آواز بسیار بالا بود. در عصر ایلخانان نیز بازارهای بزرگ فروش برده در داخل و خارج از ایران وجود داشت. در این بازارها بردگان سیاه پوست، حبشی، هندی، گرجی، رومی، ترکی، روسی و زنجی به فروش می‌رسیدند. از بازارهای بزرگ فروش برده، اولوس‌های جوجی و جغتای بودند که شریان اصلی تجارت برده را در اختیار

۱- حمدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۶. تاریخ اجماعی منول تلخیصی از جامع التواریخ رشیدالدین. همان، ص ۶۶.

۲- سیبیل، ج ۱. همان، ص ۴۶۱.

۳- سمر، آدام، ۱۳۶۱. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه: علیرضا ذکاوتی قرائن‌لوز. جلد اول. تهران: سرکوب، صص ۱۸۶-۱۸۸.

۴- حمدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰. وفتنامه ربیع رشیدی. همان، ص ۶۱.

داشتند. روابط نزدیک سیاسی این اولوس‌ها با ممالیک مصر باعث شده بود که ستون فقرات سپاه ممالیک از بردگان باشد<sup>۱</sup> این بردگان پس از نشان دادن لیاقت از خود به درجات بالاتر نظامی می‌رسیدند؛ بدین ترتیب بود که به نوشته سائدرز «مملوکان مصر عموماً از بازماندگان بردگان قباقلی ترک بودند». مغولان عقیده داشتند که تجارت مانند خون در پیکر کشور اهمیت حیاتی دارد. یکی از راه‌های تجاری فروش برده در دوره‌ی مغول مسیری بود که از دریای سیاه و مدیترانه‌ی شرقی به سوی مصر می‌رفت. راه دیگر شهر سرای بود که بردگان را از آنجا با کشتی، از راه قسطنطنیه به مصر می‌بردند.<sup>۲</sup>

دشمنی میان ایلخانان و همایگانش (اولوس جوجی و اولوس جغتای) و تسلط این اولوس‌ها بر مناطق برده‌خیز مانند دشت قباقل، آسیای میانه و قفقاز باعث شده بود تا دست ایلخانان از این منابع برده کوتاه شود. همچنین از آنجا که بخشی از مردم این مناطق و نیز حاکمان آنجا اسلام آورده بودند، تا حدی از میزان بردگی کاسته شده بود.<sup>۳</sup>

از مراکز برده‌فروشی مرتبط با ایران در عصر ایلخانان می‌توان از قبرس نام برد. چنان‌که رشیدالدین از فرزندش درخواست بردگان قبرسی، از برده‌فروشان قبرس می‌نماید<sup>۴</sup> از دیگر مراکز برده‌فروشی سودان بود رشیدالدین از مسافر باورچی می‌خواهد که از اصناف سودان برلی او دویست غلام و دویست کنیز بخرد و بفرستد در این بازار غلامان و کنیزان هندی، حبشی و قروی به فروش می‌رسیده‌اند.<sup>۵</sup> در بازارهای خوارزم علاوه بر اسب و باز و رنگ، برده نیز خرید و فروش می‌شده‌است<sup>۶</sup> بغداد بازار بزرگی داشته که از اقلام نساجی آن برده بوده‌است. چنانکه قیصر غلام

۱- دلریش بشری. همان، ص ۳۱.

۲- سائدرزج. ج. ۱۳۶۵. تاریخ فتوحات مغول. ترجمه ابوالقاسم حالت. تهران: امیرکبیر، ص ۱۷۰.

۳- دلریش بشری. همان، صص ۳۰-۳۱.

۴- دلریش بشری. همان، صص ۳۰-۳۱.

۵- بویل، جی آر همان، ص ۳۹۱.

۶- همدانی. رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۵۸. سوانح الامتکار همان، ص ۲۲.

۷- اشپولر، برتولد. همان، ص ۵۱۳.

امیر نرروز از آن‌جا خریداری شده بود. غلامان رومی، آلتی و فیچاقی در این بازار آنچنان زیاد بودند که از نظر و صاف در وهم نمی‌گنجید<sup>۱</sup> در زمان حمله‌ی هلاکو به بغداد، کثیران زیادی در بغداد بودند که به دست هلاکو افتادند. از مراکز فروش برده در زمان سلطنت گیخاتو، ازان بود که به سبب تجارت برده امنیت راه‌های آن گسترش یافته بود. در کجرات هند نیز برده فراوان بود؛ به طوری که یاغیان هر ساله به این شهر حمله می‌کردند و بردگان را غارت می‌کردند.<sup>۲</sup>

در شهرهای بزرگ ایران، بازارهای عمده برده فروشی وجود داشته است<sup>۳</sup> بردگان طبری که به اسارت مغولان در آمده بودند در بازارهای برده فروشی خراسان به وسور یافت می‌شدند.<sup>۴</sup> چنانکه گذشت گاهی بردگانی که در یورش مغولان به اسارت در می‌آمدند و به بازارهای فروش برده می‌شدند توسط مردم مسلمان شهرهای دیگر خریداری و به وطنشان بازگردانیده می‌شدند.<sup>۵</sup> بردگان گرجی، زنگی، حبشی، قروی، ترک و رومی در ایران طالب بسیار داشته است؛ چنانکه رشیدالدین از این بردگان در باغ‌های خود استفاده می‌کرده است. رشیدالدین پنج روستا بنا کرد و بردگانی از ملیتهای مختلف را در آن جای می‌دهد. در روستای زنگیان بیست مرد و بیست زن، در روستای گرجیان بیست مرد و بیست زن، در روستای حبشیان بیست مرد و بیست زن، در روستای قرویان بیست مرد و بیست زن و پنجمین روستا، روستای رومیان بوده است.<sup>۶</sup> همچنین رشیدالدین در ربیع رشیدی غلامان ترکی، رومی، گرجی، هندی، روس و زنجی را وقف کرده بود که هر کدام به کار خاصی مشغول بودند.<sup>۷</sup> به نظر

۱- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۷۳. *جامع التواریخ*. همان، ص ۱۲۷۳.

۲- شیرازی، فضل‌الله بن عبدالله. همان، صص ۳۸۵۱، ۳۰۱.

۳- همان، صص ۳۸۵۱، ۳۰۱.

۴- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۷۳. *جامع التواریخ*. همان، ص ۱۰۴۰.

۵- بویل، جی. آ. همان، ص ۴۱۰.

۶- شیرازی، فضل‌الله بن عبدالله. همان، ص ۲۵۱.

۷- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۵۸. *سوانح الامکار*. همان، ص ۶۴.

۸- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۵۶. *مقتضاه ربیع رشیدی*. همان، ص ۱۹۰.

می‌آید بردگان ترک نسبت به بردگان سایر نژادها طالب بیشتری داشته‌اند و گرانتر بوده‌اند. کسانی که برده‌ی ترک بیشتری داشتند نزد مردم ثروتمندتر جلوه می‌کردند و این بردگان عامل تفاخر صاحبانشان بودند. این غلامان و کنیزان به زیبایی معروف بودند؛ چنانکه ابن‌القوطی در مورد شیخ تاج‌الدین محمدبن حسن ارموی در سال ۶۵۴ هجری چنین می‌گوید: «شیخ تاج‌الدین ارموی که مدرس مدرسه‌ی شرفیه در بغداد بود و یگانه‌ی روزگار از فضل و دانش بود و شاگرد امام فخررازی بود، غلامان خوب‌روی ترک و غیر ترک داشت چنانکه مردم سخن فراوان از غلامان خوب‌رویش می‌گفتند. غلامان و کنیزان زیبایش زیانزد بوده<sup>۱</sup> رشیدالدین از میان غلامان و کنیزان بسیاری که وقف ربیع رشیدی کرده بود، بیست نفر از غلامان ترک را از بقیه جدا کرده بود و وظایف آنان را جدا از دیگران بر شمرده بود<sup>۲</sup>. او آنها را از کارهای پست معاف کرده بود<sup>۳</sup>. همچنین کاشانی در وصف ثروت خواجه رشیدالدین آورده که البته خالی از غرض ورزی نیست. به نوشته وی «اکنون دویست غلام ترک و مغول دارد هر یک با یک تومان مال و بیشتر که به مکتسب<sup>۴</sup> می‌دهند و املاک و اسباب مثل آن، و بیتکمور غلام او صد نفر غلام ترک دارد»<sup>۵</sup>.

کنیزان نیز از بردگانی بودند که در بازارها به فروش می‌رسیدند. این کنیزان را در یک مکان خاص جمع می‌کردند و کسی که قیمت بالاتر می‌داد، صاحب آن‌ها می‌شد. قتلغ ترکان از کنیزانی بود که در کرمان توسط پیری اصفهانی از تجار برده فروش کرمان در سال ۶۰۰ هجری خریداری شده بود. این کنیزک در سال ۶۵۶ هجری به حکومت کرمان رسید و حکومت او

۱- ابن‌القوطی، کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد شبلی، ۱۳۸۱. الحوادث الجامة رریداهای قرن هفتم هجری

ترجمه عبدالمحمد ایتی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۱۷۷.

۲- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۶. وقفاة ربیع رشیدی همان، صص ۱۵۲-۱۵۳.

۳- همان، ص ۱۵۶.

۴- حاصل کنده‌ی چیزی را، به دست آورنده، کسب کنده‌ی اکتساب (معین، ج ۱، ذیل واژه‌ی مکتسب).

۵- القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، ۱۳۴۸. تاریخ ارجاوتیو، به اهتمام مهین همیلی، تهران: ترجمه و نشر

کتاب، ص ۱۹۷.

مورد تأیید هلاکو قرار گرفت<sup>۱</sup> «قلع نرکان بزرگ‌زاده‌ای بود از قبایل خطا، او را حلال خاتون می‌گفتند... در هرج و مرج و گرفت و گیر و غارت و تاراج که بین و بنات بسیار از قبایل و عشایر اتراک دست‌تجار می‌افتاد، او در عنقوان سن صبی بود پیری اصفهانی بازرگان، حاجی صالح نام، او را دریافت و به ارادنی هر چه نامتر به تحصیل او شتافت»<sup>۲</sup>.

برخی کنیزان نیز به روسی‌خلنه‌ها فروخته می‌شدند، زیرا این مراکز قیمت بالاتری پیشنهاد می‌کردند<sup>۳</sup>. عاملان روسی‌خلنه‌ها جزو تجار و دلالانی بودند که به بازارهای برده‌فروشی می‌رفتند و کنیزانی را که برای فروش عرضه می‌شد، خریداری می‌کردند و در مراکز خود به کار می‌گماشتند<sup>۴</sup>. به نظر می‌رسد دلالان سود سرشاری می‌بردند چرا که زنان و کودکان را با قیمت کمتر می‌خریدند و با قیمت بالاتر در بازارهای فروش برده به فروش می‌گذاشتند. در سال ۶۴۱ هجری در بغداد یک کنیز به قیمت ۲۵ دینار فروخته شده بود<sup>۵</sup>. با این حال قیمت کنیزان متفاوت بوده و با توجه به زیبایی چهره و اندام و هنرهایی که آموخته بودند به قیمت‌های مختلف خرید و فروش می‌شدند. اما بنا بر سخن محقق حلی (فقیه برجسته شیعه در عصر ایلخانان) عرف قیمت یک کنیز در زمان او دوپست دینار بوده است<sup>۶</sup>. در بازار برده‌فروشی امکان داشته یک برده به خاطر عیبی که نداشته است قیمتش پایین آمده باشد و یا این‌که خریدار بعد از خرید متوجه آن شود و خواستار نسخ معامله شود<sup>۷</sup>. علامه حلی در مورد آداب بعد از خرید برده این‌گونه می‌نویسد: «برای کسی که برده‌ای را می‌خرد مستحب است که اسم او را

۱- گنم، ۲۵۳۵. تاریخ شامی قراختیایان. محمد ابراهیم باستانی پاریزی تهران: بناد فرهنگ ایران، صص ۱۰۶-۱۰۷.

۲- همان، ص ۹۱.

۳- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۲. جامع التواریخ. همان، ص ۱۵۴۰.

۴- بیانی، شیرین. همان، ص ۱۱۹.

۵- ابن‌القرطبی، کنال‌الدین عبدالرزاق بن احمد شیبانی. همان، ص ۱۱۱.

۶- محقق حلی، ۱۳۴۷. شرایع الاسلام. ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی. کوشش محمد تقی دانش‌پژوه. جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۷.

۷- محقق حلی، ۱۳۷۱. همان، ص ۱۳۲۹.



تغییر داده و شیرینی به او بخوراند و چیزی جهت او تصدق<sup>۱</sup> نماید<sup>۲</sup> همین‌طور کسی که می‌خواست برده بخرد باید به خصوصیات او توجه می‌کرد تا برده‌ی مناسبی را خریداری کند. از نظر خواجه‌نصیرالدین توسی «طریقه‌ی استخدام خدم آن است که باید از او شناخت و تجربه‌ی تمام داشته باشیم و بر احوال و حالاتش واقف باشیم و اگر امکان شناخت و تجربه نباشد به فراست و حدس و تروم استعانت نمایند از خادمان معلول و گنگ و بیمار باید دوری کرد و نباید به انسانهای زیرک اعتماد کرد».

#### وظایف و کارکردهای بردگان

در جامعه ایلی مغول هر یک از زنان درجه اول حاکمان، دارای کنیز و غلام بودند. هر یک از خاتون‌های سلطان اوزبک، خان دشت قبچاق، پنجاه کنیز داشتند که این کنیزان، خاتون‌ها را در حالی که خود سواره بودند و با او حرکت می‌کردند، تا منازلشان هدایت می‌کردند و در آخر به دنبال همه صد تن غلام بچه سرکت می‌کردند؛ کنیزان خاتون کلاه‌ها و لباس‌های حریر داشتند و ارابه‌های حمل خزائن و اموال و اثاث و لباس را غلامان نگهداری می‌کردند و هر غلام یکی از کنیزان ملتزم را به زنی داشت و معمول ترک‌ها این بود غلام در صورتی می‌توانست بین کنیزان آمد و شد کند که یکی از آنها را به زنی داشته باشد. از دیگر وظایف بردگان در جامعه ایلی مغول، داشتن نقش رابط بود که بین سفرا و بزرگان مغول انجام می‌شد. به‌طوری که وقتی سفیری وارد قلمروی مغولی می‌شد کار رد و بدل کردن پیام‌ها و هدایا و پیشکش‌ها را بردگان انجام می‌دادند. آنها همچنین کار راهنمایی سفرا به داخل چادر و سفارش دادن آیین سلام و تعظیم را انجام می‌دادند.<sup>۳</sup> گاه غلامان خود نیز به عنوان سفیر به شهرهای دوردست فرستاده می‌شدند.<sup>۴</sup> در اوایل عهد فرمانروایی مغولان و حکومت ایلخانی از

۱- صدقه، بلا گردان (معین، ج ۱، ذیل واژه‌ی تصدق).

۲- علامه حلی، همان، ص ۸۵.

۳- کارین، پلان، همان، ص ۹۱.

۴- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۲، جامع‌التواریخ همان، ص ۱۲۲۳.

کارهای بردگان آن بود که همراه ارباب خود دفن می‌شدند. ژان پلان کارپن در مورد آیین خاکسپاری بزرگان مغول اینگونه گزارش می‌دهد که «آن‌ها پنهانی به بیابان رفته و چندین دسته علف را می‌کنند، سپس چاله‌ی بزرگی کنده و در جدال چاله حفره‌ای می‌کنند و در آنجا زیر مرده، برده‌ی مورد توجه او را می‌گذارند و برده را مدت زمانی در آنجا نگه می‌دارند، سپس او را بیرون کشیده تا بتواند چندین نفسی بکشد و این را سه بار تکرار می‌کند اگر سرانجام برده زنده بماند او دیگر کاملاً آزاد می‌گردد و در خانه و خانواده مرده شخصیت برجسته‌ای می‌گردد.<sup>۱</sup> ظاهراً یکی از وظایف کنیزان هم این بود که جنازه‌ی فرمانروایان را به درون گور بدرقه کنند. این کار در مورد هلاکو نیز عملی شد.<sup>۲</sup>

بردگان از نظر وظایف و کاربرد به سه گروه تقسیم می‌شدند: گروه اول بردگانی بودند که به عنوان کنیز، همستر، ترانه‌خوان و امثال آن‌ها در خانه‌ها کار می‌کردند. گروه دوم عساکر و خدمه نگهبان بودند که به صورت غلامان و مملوکان به خدمت مشغول بودند. این گروه به تعداد زیاد در بازرگانه‌های حکام به‌عنوان غلام و خدمتکار فعالیت داشتند که بر اساس اشتغال در قصر و یا خارج آن به‌عنوان غلام سرای یا غلام بیرونی از هم متمایز می‌شدند. گروه سوم هم بردگان شاغل در تولید بودند که به کار باغداری، آبیاری و یا کار کشاورزی مشغول بودند.<sup>۳</sup>

از وظایف جزئی‌تر بردگان در عصر ایلخانی می‌توان به آب دادن اسبان<sup>۴</sup>، بافندگی<sup>۵</sup>، شکار همراه با اربابانشان<sup>۶</sup> اشاره کرد. آن‌ها همچنین به‌عنوان جهیزیه دختر حاکم ایالات، عروس را تا خانه‌ی شوهر همراهی می‌کردند<sup>۷</sup> و یا کار کشیدن آب به وسیله کوزه را به عهد، داشتند که

۱- کارپن، پلان همان، ص ۴۲.

۲- اسپولر، برنولد همان، ص ۱۸۲.

۳- پروشفسکی، ای. ب. یلیایف. ی. آ. همان، ص ۲۸.

۴- ابن بطوطه، ۱۳۳۷. سفرنامه ابن بطوطه ترجمه محمد علی مرشد. جلد اول. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۳۰۲.

۵- بویل، جی. آ. همان، ص ۳۹۱.

۶- شیرازی، فضل‌الله بن عبدالله همان، ص ۲۵۵.

۷- تسلفه ولادیمیر. ب. ص ۱۱۴.

در صورت شکستن کوزه امکان تنبیه از سوی اربابانشان وجود داشت. از کارهای خیر غازان آن بود که دستور داد اگر مر برده‌ای، به وسیله کشیدن آب کوزه‌اش شکست متولی لوقاف شب غازان، عوض آن کوزه را به او بدهد<sup>۱</sup>.

رشیدالدین صاحب چندین روستا بود که هر یک از این روستاها دارای باغ‌های بزرگی بودند. با توجه به نژاد غلامان، هر یک از این روستاها را مخصوص تعداد معینی از غلامان و کیزان با نژادهای مشخصی قرار داده بود و از آنها خواسته بود در آنجا ساکن شوند و به کار آبادانی این روستاها بپردازند<sup>۲</sup>. باغ‌های نجم‌آباد، فردوس، خانقاه و فتح آباد، که پنجاه برده در آن کار می‌کرد از جمله‌ی این باغ‌ها بودند<sup>۳</sup>. در قریه رومیان چهل غلام و چهل کنیزک به کار گماشته شده بود<sup>۴</sup>. غلامان حق نداشتند از قریه‌ای که در آن کار می‌کردند به جای دیگر روند تا آن باغ آباد شود<sup>۵</sup>. کشاورزی، باغبانی درختان، حفر قنات و نهر از دیگر کارهای بردگان برد<sup>۶</sup>. در برخی از این باغ‌ها صد نفر برده کار می‌کردند. این بردگان به دسته‌های ده نفری تقسیم می‌شدند و یکی از آنها سرپرست دیگران بود، باغ را به ده قسمت تقسیم می‌کردند و هر ده نفر مسئول قسمت خود می‌شدند و وظیفه داشتند از آن باغ جای دیگر نروند تا آن باغ کامل شود و در صورتی که بودندشان فایده نداشت، می‌توانستند از آن باغ به جای دیگر روند یک نفر از این صد نفر باید سرپرست صد نفر دیگر می‌شد که بقیه بیکار نباشند. از درآمد باغ صد دینار باید به این سرپرست داده می‌شد تا در کارش اهمال و تقصیر نکند به هر دسته ده نفری سه رأس گاو داده می‌شد و در زمان تابستان می‌توانستند از علف باغ استفاده کنند. در زمستان

۱- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۳۶. *تاریخ اجتماعی مغول تلخیصی از جامع التواریخ رشیدالدین*. همان، ص ۴۹.

۲- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۵۶. *وقفنامه ربیع رشیدی*. همان، ص ۱۵۳.

۳- همان، ص ۱۵۴.

۴- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۵۸. *سوانح الافکار*. همان، ص ۶۴.

۵- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۵۰. *وقفنامه ربیع رشیدی*. همان، ص ۱۹۵.

۶- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۵۸. *سوانح الافکار*. همان، ص ۶۴.

پانزده دینار به صورت علف و جنسی به آنها داده می‌شد که برای علف مشکلی نداشته باشند. متولی موظف بود اگر گاوی تلف شد گاو دیگر بخرد و جای آن بگذارد.<sup>۱</sup> غلامان این حق را داشتند که دُبع شیر، ماست و روغن به دست آمده از این گلووان را برای خود بردارند. زنان و کودکان آنها نیز مسئول مرغ و تخم مرغ بودند که به تعداد مشخص شده ربع آن نصیب آنان می‌شد.<sup>۲</sup>

در وقفنامه ربع رشیدی در مورد فرزندان غلامان وقف شده آمده که باید در درجه نخست حرفه و صنعت پدرشان را ادامه دهند. پسر باغبان باید باغبانی کند پسر کهریزی باید کهریزی باشد. با این حال امکان تغییر شغل فرزندان آنها با توجه به علاقت و استعدادشان وجود داشت. فرزندان ایشان را هر یکی به صنعتی و حرفتی که موافق و ملایم حال او باشد از عطاسی و قوالی و نقاشی و زرگری و باغبانی و کهریزی و دهقنت و معماری و سایر حرفه، بر وجهی که متولی مصلحت بیند، مشغول گردانند.<sup>۳</sup> همچنین متولی می‌توانست فرزندان غلامان را در کار اوقاف ربع رشیدی به کار گیرد و وجه معیشت آنان را نسبت به کاری که انجام می‌دهند، از مال وقف بدهد و اگر ایشان به کار و کسب مشغولند یک ربع از درآمدشان را باید برای وقف ربع رشیدی بدهند.<sup>۴</sup>

بیست تن از غلامان ترک رشیدالدین باید طبق نظر و صلاحدید متولی به کارهای سطح بالا، متوسط و یا پایین گماشته می‌شدند. از آن جمله بودند تحصیل اموال و منالالت<sup>۵</sup> وقف و سحتگی و معتمدی مواضع وقف و عاملی دبه‌ها و معماری و سرکاری و سرهنگی و فرائس و

<sup>۱</sup>- همان، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۶. *وقفنامه ربع رشیدی*، همان، صص ۱۵۳-۱۵۴.

<sup>۲</sup>- همان، ص ۱۹۶.

<sup>۳</sup>- همان، ص ۱۹۱.

<sup>۴</sup>- همان، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۶. *وقفنامه ربع رشیدی*، همان، ص ۱۵۶.

<sup>۵</sup>- جای بافتن چیزی، محلی که از آن سود و حاصلی به دست آید. مزرعه درآمد اسلامی و شغل و منصب. *حکایت حسن (معین، جلد ۲، ذیل وزوی مثال)*.

یوایی<sup>۱</sup> و خازن<sup>۲</sup>، فرزندان این غلامان ترک می‌توانستند دارای حرفه و صنعت باشند و از یک پنجم درآمدشان را برای وقف بدهند. اما اگر مریض می‌شدند و حادثه‌ای برایشان پیش می‌آمد و یا قرض داشتند، می‌توانستند از آن یک قسمت سهمشان استفاده کنند. همچنین متولی و یا نائب متولی و مشرف می‌توانستند این بیست نفر غلام ترک را به کارهای خاص خودشان مشغول کنند و فرزندان آنان را برای خود استخدام کنند. در این صورت باید از وجوه خودشان به غلامان حامه و درآمد می‌دادند<sup>۳</sup> غیر از غلامان ترک، رشیدالدین، سایر غلامان وقف شده برای ریح رشیدی که دویست نفر می‌شدند، با فرزندانشان باید در زمان ریزش برف، بام‌های ریح رشیدی را از برف پاک کنند و فراشان باید راه گذرها را از برف پاک کنند<sup>۴</sup> رشیدالدین گزارش می‌دهد که «در ریح رشیدی جماعتی کوفیان و بصریان و واسطیان و شامیان هستند که سبعه‌خوان هستند و در دارالقرآن هر روز تا وقت ضحی به تلاوت قرآن مجید مشغولند و چهل نفر از غلامزادگان خویش را به ایشان سپردیم تا ایشان را سبعه‌خوانی تعلیم کنند»<sup>۵</sup>. در دارالشفا ریح رشیدی پنجاه پزشک از هند و چین و مصر و شام به استخدام در آمدند که هر یک از آنان پنج غلام را در کنار خود دارند تا به این غلامان پزشکی و بقیه فنون جراحی را بیاموزند. رشیدالدین در وصیتنامه‌اش که به تقسیم اموالش میان فرزندانش می‌پردازد، بانصد نفر از غلامانش، غیر از غلامانی که وقف شدند را به پسرانش و سیصد نفر از کنیزانش، غیر از کنیزانی که وقف شدند، را به دخترانش به ارث می‌گذارد<sup>۶</sup>.

بر اساس یرلیغ غازان، غلامان و اسیران باید به آبادانی روستاها و مرغزارها بپردازند و زمین‌ها را کشت کنند و در این روستاها به آنان گاو و مرغ دهند که به پرورش آنها مشغول باشند و در صورت پیدا شدن مالک برای این زمین‌ها، چون زراعت آنجا به اسیران و غلامان است، «نه یکی از آن جمله

۱- منسوب به بواب، دریایی، نگهبان در سرای (معین، جلد ۱، ذیل واژه‌ی بواب).

۲- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۶، *وقفنامه ریح رشیدی*، همان، ص ۱۴۶.

۳- همان، ص ۱۴۶.

۴- همان، ص ۲۸۶.

۵- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸، *سوانح الاتقار*، همان، صص ۲۱۲، ۲۹۰.

به مالک رسانند و باقی ایشان با مزارغان خود بهم بردارند.<sup>۱</sup> البته باید یادآور شد که روستاییان نیز وضع بردگان زرخریه را داشتند و به کشاورزی مشغول بودند و در منجلاب بدیختی و بردگی گرفتار بودند.<sup>۲</sup> این روستاییان زیر نظر اشراف بودند و دستمزدشان به خاطر استفاده‌ی وسیع از بردگان در کار کشاورزی پایین آمده بود و نیز اگر در روستایی دروغه یا مأمور مالیات می‌خواست چند روزی را در آن‌جا بماند اهالی روستا مورد دستبرد بردگان آنان قرار می‌گرفتند چرا که از روی باهم‌های مسطح به حیاط‌های رفتند و هر چه به چشمشان می‌خورد را برمی‌داشتند.<sup>۳</sup>

از بردگان به‌عنوان پیشکش و هدیه نیز استفاده می‌کردند. سلاطین اغلب کنیزان را به فرماندهان و شخصیت‌های سیاسی هدیه می‌دادند.<sup>۴</sup> بردگان به عنوان هدیه به حاکمان نیز داده می‌شدند. چنانکه خواجه علی‌شاه گیلانی در جشن بزرگی که در عراق برای اولجایتو ترتیب داده بود، علاوه بر نیم‌تنه مرصع و نُه اسب عربی ممتاز، نُه غلام نیز به اولجایتو هدیه داد.<sup>۵</sup> به کارگیری گسترده غلامان به‌منظور ابراز تفاخر و تمول موجب رنجش رشیدالدین گشته بود. به گفته‌ی وی «بسیار مردم فرومایه که فی عالم‌الله هیچ نداشتند»، در آنسفته بازار اقتصادی اجتماعی ایران عصر ایلخانی «از جمله متمولان شدند و ناگاه به اسبان تازی و اسران راهور برشته و جامه‌های ملوکانه پوشیده و غلامان ماه پیکر و سرهنگان بسیار بر خود جمع» کردند.<sup>۶</sup> آریابان کنیزان را وقف خانقاه‌ها و مساجد و امور مذهبی نیز می‌کردند.<sup>۷</sup> توضیحات رشیدالدین در مورد اصلاحات غازان‌خان آگاهی‌های بیشتری در باره ابعاد ائستغال بردگان و

<sup>۱</sup> - حمدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳، جامع التواریخ، همان، ص ۸۸۲.

<sup>۲</sup> - استاذی، ج. همان، ص ۱۴۵.

<sup>۳</sup> - همان، ص ۱۳۹.

<sup>۴</sup> - بیانی، شیرین، همان، ص ۱۱۷.

<sup>۵</sup> - میرزاوند، محمد بن خراوند شاه، بلخی، ۱۳۷۳، روضه الصفا، حاس زریاب، جلد پنجم، انتشارات علمی،

ص ۵۵.

<sup>۶</sup> - حمدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳، جامع التواریخ، همان، صص ۳۳-۳۴.

<sup>۷</sup> - بیانی، شیرین، همان، ص ۱۱۷.

کنیزان به دست می‌دهد. به نوشته او در شهرهای بزرگ ایران زنان فاحشه را پهلوی مساجد، خاتقاه‌ها و خانه‌ها می‌نشانیدند، همچنین به نظر او «کنیزکان را که از اطراف می‌آوردند چون جماعت خراباتیان به بهای موافقت از دهگران می‌خرند، اکثر تجار در فروختن ایشان میل به معامله‌ی آن جماعت می‌کردند و بعضی از کنیزان که حمیتی و قوتی داشتند، در نفس خود نمی‌خواستند که ایشان را به خرابات فروشند و به اجبار و اکراه می‌فروختند و به کار بد می‌نشانیدند». بنابراین غازان‌خان دستور داد «خرابات نهادن و فاحشه نشانیدن کاری زشت است و دفع آن از واجبات لازم، کنیزانی که میل به این کار ندارند و مجبور شده‌اند می‌توانند از آنجا بیرون آیند و کسی نباید مانع او شود و آنها را در هر پایه و هر جنس مشخص کنند تا بدان بها بخرند و از خرابات بیرون آرند و به شوهری که دوست دارند بدهند او را به اکراه در آنجا نگه داشتن ظلم است»<sup>۱</sup>. معمولاً خرابات خارج از شهر بودند و زنان در آنجا مانند سپاه به واحدهای هزار، صد و ده نفری تقسیم می‌شدند و فرمانده‌ای بر آنان ریاست می‌کرده است و از پرداخت مالیات معاف بودند.<sup>۲</sup> به نظر می‌آید در پی کاهش جمعیت ایران در عصر ایلخانی بردگان کسانی بودند که باید جبران کمبود جمعیت را می‌کردند و به همین جهت در اموری چون کارگری و کشاورزی نیز مشغول بودند. بردگان و کنیزان را براساس صاحبانشان می‌توان به چند گروه تقسیم کرد:

#### جایگاه اجتماعی بردگان و حقوق بردگی

در جامعه عصر مغول شرایط برده‌داری بسیار طاقت فرسا بود؛ چنان‌که به قول کارین این شرایط تاکنون جایی دیده نشده و باور کردنی نبود. به همین دلیل بود که او از مردم خود خواسته بود تا برای جنگ با مغولان آماده شوند تا به بردگی دچار نشوند.<sup>۳</sup> این نارضایتی گاه به آنجا می‌رسید که بعضی بردگان از نزد اربابانشان فرار می‌کردند و به نظر می‌رسد مأمورین

۱- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. *جامع التواریخ*. همان، ص ۱۵۴.

۲- یانی، شیرین. همان، ص ۱۱۹.

۳- کارین، پلان، صص ۸۰-۸۱.

حکومتی در پیدا کردنشان به آنها کمک می‌کردند. این هم که گاه صاحبان برده برای بردگان خود پاداش تعیین می‌کردند نیز حاکی از گستردگی فرار بردگان است. همچون بسیاری دیگر از ادوار تاریخ طقه یک غلام از نظر حقوق اجتماعی آنقدر پایین بود که حق خواستگاری از طیفی بالاتر خود را نداشت و این نوعی بی‌ادبی به شمار می‌آمد. با این حال وضعیت در مورد کنیزان با تفاوتی همراه بود. گاه آنان بعد از خرید توسط اربابانشان به ازدواج آنان در می‌آمدند و می‌توانستند بچه‌دار شوند. با این حال اگر فرزند کنیز از صاحبش بود، فرزند آزاد و اگر از شوهر بنده او پیش از این ازدواج بود، فرزند بنده به شمار می‌آمد. هر دو نفر کنیز به اندازه‌ی یک زن آزاد به حساب می‌آمده است در این باره محقق حلی می‌آورد «برای مرد جایز نیست که از چهار زن بیشتر داشته باشد زیرا هر زن آزاد دو کنیز است و جایز نیست سه کنیز و یک آزاد داشته باشد پس پنج کنیز می‌شود با این حال بدون اجازه همسر مرد، ازدواج با کنیز جایز نبوده است. فراوانی نسبی احکام مربوط به غلامان و کنیزان در متون فقهی عصر سلطنتی را می‌توان از جمله نشانه‌های گستردگی برده‌داری در این دوران به‌شمار آورد.

به نظر می‌آید بردگان ربع رشیدی نسبت به سایر بردگان از شرایط بهتری برخوردار بودند. چنانکه ازدواج یک غلام با یک کنیز به شرط رضایت دو طرف ممکن بوده است در غیر این‌سورت متولی باید یک کنیز برای غلام بخرد و به غلام دهد. همچنین رشیدالدین برای غلامان ربع رشیدی، مسکن و خانه‌ای مشخص کرده بود. طبق وصیت او مسکن غلامان نژاد رومی و گرجی و ارمنی و حبشی و زنگی و هندی که وقف شده بودند، مشخص شده بود. هر یک از غلامان برای خود خانه داشتند و کسانی که قدرت ساختن خانه نداشتند، مزدبگیر

۱- ابن بطوطه، ۱۳۳۷. سفرنامه‌ی ابن بطوطه. ترجمه محمد علی موحد، جلد اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۳۰۲.

۲- مستشرق حلی، ۱۳۷۶. همان، ص ۱۸۸.

۳- مستشرق زنج، ج. همان، ص ۶۹.

۴- گمبار، ۲۰۲۵. همان، ص ۲۲۵.

۵- حسینی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۱۶. وقفنامه ربع رشیدی. همان، ص ۱۵۱.



بودند.<sup>۱</sup> درآمد غلامان ربیع رشیدی جنسی و به صورت نان و گندم پرداخت می‌شد که به خود غلامان داده می‌شد. حقوق بیست غلام ترک در ازای کاری که انجام می‌دادند هر روز نسبت من نان به وزن تبریز بود که به هر نفر، سه من [هر من سه کیلو] نان، داده می‌شد. به غلامان دیگر که صد و شصت و نه نفر بودند، هر روز سبصد و پنجاه و هشت من نان می‌دادند که در سال صد و بیست و هشت هزار و هشتصد و هشتاد من بود.<sup>۲</sup> در موقوفات ترکان خاتون - حاکم فراختایی کرمان - غلام‌هایی به نام‌های صالح، مصلح، سنبل، مخلص، کافور، و جز آن و کنیزانی با نام‌هایی چون شیرین، نفیسه، شکر بغدادی و زلیخا دیده می‌شوند که به هر یک از غلامان در هر سال هفتصد و بیست من گندم و مبلغ پانزده دینار می‌دادند و هر یک از کنیزان را پانصد و چهل من گندم و مبلغ ده دینار مقرر کرده بودند که باید به فرزندانشان بدهند.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد حقوق کنیزان از غلامان کمتر بوده است. با این حال یک کنیز بدون اجازه اربابش حق دست زدن به اموال او و نیز خرید و فروش را نداشت.<sup>۴</sup>

شهادت یک غلام یا کنیز ارزشی نداشت و زمانی که آزاد می‌شدند شهادتشان ارزش پیدا می‌کرد. اگر کسی بر غلامی ادعای قصاص نماید و غلام هم اقرار کند اقرار او قبول نمی‌شود مگر اینکه آقایش او را تصدیق کند.<sup>۵</sup> غلامان و کنیزان را اگر می‌کشند کسی قصاص نمی‌شد تنها با دادن غرامت آن غلام یا کنیز به صاحبش بخشیده می‌شد اما اگر غلام یا کنیزی فرد آزادی را می‌گشت باید به خاطر قصاص او، کشته می‌شد و یا به بردگی صاحبان مقنول درمی‌آمد.<sup>۶</sup>

۱- ممدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۶، همان، ص ۱۵۱.

۲- همان، صص ۱۵۲-۱۵۱-۱۵۹.

۳- گننام، همان، ص ۲۲۵.

۴- علامه حلی، ۱۳۶۲، کتاب تجارت، قضای و شهادت برگرفته از قواعد الاحکام، ترجمه حسن اسفندیاری

محتم السلطنه، تهران، چاپ و نشر وحید، صص ۲۱-۳۰.

۵- همان، ص ۳۲۲.

۶- محقق حلی، همان، صص ۱۹۲۱-۱۹۲۰.

همچنین گاه در مواقع بروز دشمنی میان صاحبان غلامان، آنها نیز نریانی کینه و عداوت اربابانشان می‌شدند<sup>۱</sup>

در مواردی ظاهراً استثنائی غلام و کنیز می‌توانستند در صورتی که متوفی وارثی نداشته باشد از صاحب خود ارث ببرند. غازان‌خان مقرر کرده بود که در صورتی که صاحب انقطاع فوت کرد و دارای ورثه‌ای نبود، اموالش را « بر غلام قدیم او مقرر گردانند<sup>۲</sup>». با این حال در صورتی که متوفی وارث دوری داشت، ارث به وارث دور می‌رسید و نه غلام نزدیک به او<sup>۳</sup>. همچنین غلام و کنیز به عنوان مال میراث محسوب می‌شد و به وارثان ارباب خود تعلق داشتند<sup>۴</sup>.

اخباری نیز در دست است که نشان می‌دهد بردگان اگر شایستگی بسیار از خود نشان می‌دادند و مورد توجه ارباب خود فرار می‌گرفتند، می‌توانستند به مرتبه‌ی بالاتر برسند و در واقع تغییر طبقه اجتماعی بدهند. همچون غلام رشیدالدین (باستقر باورچی) که توانسته بود به حکومت بصره برسد<sup>۵</sup> و برده ترمذی که پسر خوانده‌ی یکی از بزرگان مغول خطاب می‌شد و امور مالی و خدمت و حشم او را بر عهده داشت<sup>۶</sup>. سرگذشت فاطمه توسی اسیر- کنیز مشهور خراسانی در دربار توراکیناختون نیز نمونه دیگری از وجود چنین امکانی در عهد مغول است. چنانکه توراکیناختون بی‌مشورت او کاری نمی‌کرد<sup>۷</sup>.

در قه‌ زمانه نیز احکامی در جهت امکان بهبود زندگی غلامان و کنیزان دیده می‌شود. سحقی‌حلی از علمای عصر ایلخانی خلاص نمودن بنده از بندگی (عتق) را دارای ثواب و

<sup>۱</sup>- نقاشی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، همان، ص ۱۴۹.

<sup>۲</sup>- حدادی، رشیدالدین فضل‌الله، همان، صص ۱۴۸۱-۱۴۸۵.

<sup>۳</sup>- سحقی‌حلی، همان، ص ۴۵۳.

<sup>۴</sup>- همان، ص، ص ۳۹۱.

<sup>۵</sup>- حدادی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۱، سوانح الانکار، همان، ص ۲۰.

<sup>۶</sup>- السراج سراج، ۱۳۶۳، طبقات ناصری، عبدالحی حبیبی، جلد دوم، تهران: دنیای کتاب، ص ۱۷۷.

<sup>۷</sup>- سرخواند، محمد بن خواند شاه بلخی، ۱۳۷۳، روضه الصفیاء، عباس زریاب، جلد پنجم، انتشارات علمی،

فضیلت فراوان می‌دانست<sup>۱</sup>. «تدبیر» از کارهای ثواب دیگری بوده که بر اساس آن بنده بعد از وفات صاحبش آزاد می‌شد<sup>۲</sup>. خواجه نصیرالدین توسی برای بنده حقوقی قائل شده است که بر اساس آن باید به بنده حرقه و صنعتی را داد که استعداد آن کار را داشته باشد و برای درآمد زندگیش کافی باشد<sup>۳</sup> از نظر او بندگان مانند دست و پای و جوارح بدن و ودایع خداوند بودند که باید با وفق و مدارا و لطف و مواسات با ایشان رفتار کرد. او در مجموع خواهان رسیدگی به امور زندگی و رفاهی بندگان بود<sup>۴</sup>. بدین ترتیب شرایط بردگان در جامعه ایران عهد مغول با تفاوت‌هایی همراه بود و از قهر و غضب نا رأفت و سفتت برای ایشان در نظر گرفته می‌شد.

#### نتیجه

با حملات مغولان به ایران طبقه‌ی اجتماعی وسیعی از غلامان و کنیزان در عصر ایلخانی تشکیل شد. این غلامان و کنیزان یا از اسرای جنگی بودند که در پی حملات مغولان به اسارت در آمده بودند و با در بازارها خریداری می‌شدند. در بخش‌های مختلف جامعه از دربار و دستگاه دولتمردان گرفته تا سرای ثروتمندان و گاه طبقات میانی از وجود آنها استفاده می‌شد. آنها در عرصه‌های مختلف از قبیل سپاهیگری و کار در منازل و باغ‌ها و مزارع به‌کار گرفته می‌شدند در مجموع این طبقه را باید از نیروهای مهم کار و خدمات در جامعه عصر مغول بشمار آورد. چنان‌که اگر آنها را از مجموعه‌های بزرگ مانند ربیع رشیدی کنار بگذاریم، با خلا‌ای مهم در کارکردهای آن رویه رو خواهیم شد. وضعیت بردگان بسته به نوع صاحبان آنها (مغول، مسلمان، دیوانسالار و ...) متفاوت بود. گاه در سخت‌ترین شرایط به سر می‌بردند و گاه حداقل در نظر، سخن از ضرورت رسیدگی به احوال آنها سخن به میان می‌آمد. در عین حال از آنجا که در تفکر مغولی تقسیم‌بندی طبقاتی به معنای

۱- محقق‌حلی. همان، ص ۹۵۷.

۲- همان، ص ۹۹۶.

۳- توسی، خواجه نصیرالدین. ۱۳۵۶. اخلاق ناصری. تصحیح مجتبی مینوی علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی، ص ۲۴۲.

۴- توسی، خواجه نصیرالدین. همان، صص ۲۱۰-۲۴۲.

رایج آن وجود نداشت و به شایستگی‌ها و خلعت‌رسانی افراد بها داده می‌شد، امکان رشد اجتماعی و دگرگونی اساسی در زندگی بردگان و غلامان وجود نداشت.

#### کتابنامه

- ابن بطوطه، ۱۳۳۷. *سفرنامه‌ی ابن بطوطه*. ترجمه محمد علی موحد. جلد اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- \_\_\_\_\_ ۱۳۶۱. *سفرنامه‌ی ابن بطوطه*. ترجمه محمد علی موحد. جلد دوم. انتشارات علمی و فرهنگی
- ابن القوطی، کمال الدین عبدالرزاق بن احمد شبلی. ۱۳۸۱. *الحوادث الجامة رویدادهای قرن هفتم هجری*. ترجمه عبدالمحمد ایلی. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- اشپولر، برتولد. ۱۳۸۰. *تاریخ مغول در ایران سیاست، حکومت و فرهنگ دوره‌ی ایلخانات*. ترجمه محمود میرافشار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- اشپولر، برتولد. ۱۳۸۹. *مغولان در تاریخ*. توضیحات عبدالرسول خیراندیش. تهران: آدابوم
- آقسرائی، محمدبن محمد. ۱۳۶۲. *تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسامره الاخیار*. تصحیح عثمان توران. تهران: اساطیر
- القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد. ۱۳۴۸. *تاریخ اولجاایتو*. به اهتمام مهین همیلی. تهران: ترجمه و نشر کتاب
- بویل، جی. آ. ۱۳۶۶. *تاریخ ایران کمبریج*. ترجمه حسن انوشه جلد پنجم. تهران: امیرکبیر
- بیانی، شیرین. ۱۳۸۲. *زن در ایران عصر مغول*. تهران: انتشارات دانشگاه
- بلو، هل. ۱۳۸۳. *تاریخ سری مغولان*. ترجمه شیرین بیانی. تهران: دانشگاه تهران
- پتروشفسکی، ای. پ. پلایفسد. ی. آ. ۲۵۳۶. *سه مقاله درباره بردگی*. ترجمه: سیروس ایزدی. تهران: نشر کبیر
- سلف، ولادیمیر. ب. ۱۳۶۵. *نظام اجتماعی مغول*. ترجمه: شیرین بیانی. انتشارات علمی و فرهنگی
- توسی، خواجه نصیرالدین. ۱۳۵۶. *اخلاق ناصری*. تصحیح مجتبی مینوی علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی

جویی، عظاملک بن محمد. ۱۳۸۵. *تاریخ جهانگشای جویسی*. تصحیح محمد فزونی. جلد اول. تهران: دنیای کتاب

دلویش، شری. ۱۳۸۱. «انول اقتدار غلام سباهیان در عصر ایلخانان» *یازدهشامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی شماره ۳۰، ۳۸-۱۵

همدانی، رشیدالدین فضل الله. ۱۳۳۶. *تاریخ اجتماع مغول تلخیص از جامع التواریخ رشیدالدین* تصحیح امیرحسین جهان بکلو. اصفهان: کابفروشی تایید

\_\_\_\_\_ ۱۳۵۱. *وقفنامه ربیع رشیدی*. محتسب مینوی ایرج افشار. تهران: انجمن آثار

ملی

\_\_\_\_\_ ۱۳۵۸. *سوانح الافکار*. محمد تقی دانش پزوه. تهران: کتابخانه مرکزی و

مرکز اسناد

\_\_\_\_\_ ۱۳۷۳. *جامع التواریخ* تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی. جلد

اول و دوم. تهران: نشر البرز

ساندرز، ج. ۱۳۶۵. *تاریخ تفوسحات مغول*. ترجمه ابوالقاسم سالت. تهران: امیرکبیر

شبانکارهای، محمد. ۱۳۶۳. *مجمع الانساب*. تصحیح میر هاشم محدث. تهران: امیرکبیر

شیرازی، فضل الله بن عبدالله. ۱۳۳۸. *تاریخ و صفات الحضرة*. تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا. کتابخانه  
جعفری تبریزی

علامه حلی. ۱۳۶۲. *کتاب تجارت، قضای و شهادت برگرفته از قواعد الاحکام*. ترجمه حسن  
اسفندیاری محتشم السلطه. تهران: چاپ و نشر وحید

فرای، رن. ۱۳۴۴. *میراث باستانی ایران*. ترجمه: مسعود رجب‌نیا. انتشارات علمی فرهنگی

فرای، رن. ۱۳۶۴. *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه* دانشگاه کمبریج. ترجمه: حسن اتوشت. جلد  
چهارم. امیرکبیر

کارین، پلان. ۱۳۶۳. *سفرنامه پلان کارین*. ترجمه ولی الله شادان. انتشارات فرهنگسرای ایسولی

گنم، ۲۵۳۵. *تاریخ شامی تراختانیان*. محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران

لمب، هارولد. ۱۳۷۳. *چنگیز خان امپراتور سرناسر ایران*. ترجمه غلامحسین فراگوزلو. تهران: اقبال

برده‌داری در ایران عصر مغول / زائر شیروانی ۱۱۷

متز، آدم. ۱۳۶۴. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه: علیرضا ذکاوتی فراگرلو. جلد اول. تهران: امیرکبیر

مرگان، دیوید. ۱۳۷۳. مغولها. ترجمه عباس مخبر. نشر مرکز

محقق حلّی. ۱۳۴۷. سراج الاسلام. ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی. کوشش محمد تقی دانش پژوه. جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران

محقق حلّی. ۱۳۷۴. سراج الاسلام. ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی. کوشش محمد تقی دانش پژوه. جلد سوم و چهارم. تهران: دانشگاه تهران

سراج سراج ۱۳۱۳. طبقات ناصری. عبدالحی حبیبی. جلد دوم. تهران: دنیای کتاب

صرخوانده، محمد بن خواننده شاه بلخی. ۱۳۱۳. روضه الصفی. عباس زریاب. جلد پنجم. انتشارات علمی

تصری داد، مصطفی. ۱۳۷۴. سیاست سپاهگیری مغولان و ایلخانان در ایران. تبریز: موسسه فرهنگی و انتشاراتی خصل

تسوی، شهاب الدین محمد خرزندی زیدری. ۱۳۶۵. سیرت جلال الدین منکیرتسی. مجتبی مینوی. تهران: علمی فرهنگی

تیارمت، بدافذ. ۱۳۴۹. تاریخ بردگی. جلد دوم. تهران: چاپخانه مبین

خروری، سیف بن محمد بن یعقوب. ۱۳۱۳. تاریخ نامه هرات. غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: اساطیر